

روایت رنج

رجال (سیره صالحان)

درنگی در اسناد مبارزات و اندیشه‌های سیاسی آیت الله طالقانی

پیش درآمد :

به مناسبت چهاردهمین سالگرد رحلت عالم عامل، زاهد مجاهد، سیاستمدار سترگ، مفسر روشنی‌بین، مبارز صبور و نستوه حضرت آیت الله حاج سید محمود طالقانی قدس سره تصمیم گرفتیم که خلاصه زندگی و اصول اندیشه‌های او را بررسی کنیم. مقصود نخست ما نگارش و تنظیم یک مقاله بود، لیکن عملاً یادداشتها و مدارک فراوانی به دست آمد که بیش از مواد یک مقاله بلند را در بر می گرفت. با توجه به ارزش و اهمیت این مدارک و یادداشتها دریغمان آمد که آنها را نادیده گرفته، به یک مقاله بسنده کنیم. از این رو تصمیم گرفتیم در این شماره، گزیده اسناد شهربانی شاه درباره مرحوم طالقانی و مسجد هدایت را بررسی و منتشر کنیم. در شماره بعد، در ادامه این مقاله به تکمیل و تحلیل مطلب خواهیم پرداخت.

این اسناد زنده بسیار گویا بوده و بیانگر گستره مجاهدتهای نستوهانه و اندیشه‌های ژرف و مؤمنانه آن مرد الهی در زمینه مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی است. با مطالعه آنها سیمای یک عالم راستین و روحانی وارسته شیعه در برابر دید خوانندگان ترسیم می شود.

این اسناد را می توان به طور کلی به دو دسته تقسیم نمود. شماری از اینها در زمینه مبارزات و رنجهای مستمر آیت الله طالقانی با رژیم فاسد و استبدادی شاه است و نشان دهنده برخی از بازداشتها، زندانها و تبعیدشدنهای آن بزرگوار و استقامت و پایداریش در این راه که بسیار شجاعانه و شکوهمند است. به طوری که استقامت او گاهی حمایت برخی شخصیت‌های بزرگ و جریانه‌های سیاسی معارض با شاه را نیز به دنبال داشته است.

شمار دیگری از این اسناد نیز در بردارنده «گزیده‌ای» از سخنرانیها و خطابه‌های آیت الله طالقانی (و برخی از همفکران او) در «مسجد هدایت» در طول سالیان دراز است که توسط مأموران مخفی شهربانی و ساواک خلاصه نویسی و به مراکز امنیتی شاه گزارش شده است.

ارزش این قسمت از اسناد در این است که علاوه بر اینکه نشان دهنده اندیشه‌ها و

مبارزات پی گیر آیت الله طالقانی و تسلیم ناپذیری او در برابر دستگاه جور است، در عین حال چکیده‌ای از بیانات و خطابه‌های ضبط نشده آن مرحوم و بخشی از اسناد تاریخ فکری انقلاب اسلامی ایران است که تقریباً منحصر به فرد و ارزشمند است. و در مجموع جایگاه مؤثر مسجد هدایت در روند انقلاب اسلامی را نشان می دهد.

بنابراین، در اینجا این اسناد را همراه با توضیحات لازم در دو قسمت با رعایت ترتیب زمانی تقریبی وقوع آنها درج می کنیم:

۱- اسناد مربوط به مبارزات و رنجهای مبارزاتی آیت الله طالقانی

۲- خلاصه نویسی خطابه‌ها و صحبت‌های ایشان (و بعضاً دیگران) در مسجد هدایت تهران.

پیش از پرداختن به درج اسناد، نخست چکیده‌ای از بیوگرافی آن مرحوم را درج می کنیم. و قبل از شروع اصل مطلب لازم به یادآوری می دانیم: از آنجا که این اسناد در مجموع گویای رنجها و ماراتها و مجاهدتهای خستگی ناپذیر مرحوم طالقانی در راه تحقق اهداف الهی و آزادی ملت ایران و روایت ناقصی از آن تلاش‌هاست، ما عنوان مقاله را «روایت رنج» گذاشتیم.

چکیده زندگی نامه آیت الله طالقانی:

نام او «سید محمود علائی طالقانی» فرزند عالم وارسته و زاهد آیت الله سید ابوالحسن طالقانی است. سید ابوالحسن از نامداران مورد اعتماد عصر خود و از یاران شهید سید حسن مدرس و دوست نزدیک حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه جدید قم است. برپایه آنچه که پدر بزرگوار آن مرحوم در پشت قرآنی نوشته اند: «سید محمود طالقانی در روز شنبه ۴ شهر ربیع الأول ۱۳۲۹ [قمری] به دنیا آمد.» ولی در شناسنامه ایشان روز تولد: دوم جدی ۱۲۸۲ ذکر شده است.^۱

سید محمود دوران کودکی خود تا حدود ۱۰-۱۲ سالگی در کنار پدربزرگ و پدربزرگوار خود گذراند که تقریباً همزمان با دوران سردار سپه‌ی رضاخان و آغاز دیکتاتوری او بود. برخی از نزدیکان فکری آیت الله سید محمود طالقانی به نقل از خود آن مرحوم حوادث روزهای کودکی او را چنین ترسیم کرده اند:^۲

«دوران کودکی: از خاطراتی که آن مرحوم از دوران کودکی خود که حدود ۱۰-۱۲ سال

۱) ر.ک: یادنامه ابوذر زمان / هفت و چاب دوم شرکت سهامی انتشار

۲) ابوذر زمان / هشت و نه.

داشت نقل می کرد، جلساتی بود که در زمان اواخر سردار سپهی رضاخان در منزل پدر ایشان علیه رضاخان تشکیل می شد و مرحوم مدرس نیز از گردانندگان اصلی این مجلس بود و با شرکت روحانیون برقرار می گردید. ایشان ناظر بر آن جلسات پرشور و از طرف پدر در منزل ایستاده بود که اگر مأمورین آمدند آنان را باخبر کند. در یکی از جلسات، آقای طالقانی خیر می آورند که آژانها آمدند، آنها جلسه را تبدیل به ختم «امن یجیب» می کنند و بعد که مأمور می آید می بیند که آنها مشغول ختم «امن یجیب» هستند، هر چه مأمور به آقا (منظور آیت الله سید ابوالحسن طالقانی) می گوید که با شما کار دارم، ایشان بدون اینکه اعتنائی بکنند مرتب ذکر «امن یجیب» می گوید و مأمور که این وضع را می بیند ناچار به ترك جلسه می شود.

بالاخره رضاخان این جلسه را تعطیل می کند و مدتی آقای سید ابوالحسن طالقانی به اتفاق فرزند گرامیشان در باغهای اطراف شمیران مخفی بودند. سرانجام مدرس تبعید شد، ولی در مدت تبعید تماس آن مرحوم با ایشان قطع نشد. و پیامهای او در کاغذ سیگارهای قدیم بوسیله بعضی از ژندارها به ایشان می رسید تا سرانجام مدرس شهید می شود. رحمة الله علیه.

از خصائص مرحوم آقای سید ابوالحسن طالقانی نیز یکی این بود که از سهم امام ارتزاق نمی کرد، بلکه از ساعت سازی روزگار می گذراند. بعد از فوت ایشان تشییع جنازه باشکوهی از وی به عمل می آید و سکوت خفقان آمیز رضاخانی با فوت آن مرحوم شکسته می شود. زیرا تا آن موقع از جمله کارهایی که ممنوع بود تشییع جنازه بود که در آن روز مردم تهران باوجود این ممنوعیت حرکت عظیمی در فقدان آن مرد بزرگ نشان دادند. «سید محمود» پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی وارد حوزه علمیه قم شده و توسط آیت الله سید محی الدین طالقانی به حضور مؤسس حوزه علمیه قم حاج شیخ عبدالکریم حائری معرفی شد و تحصیلات خود را در مدرسه های رضویه و فیضیه ادامه داد.

سید محمود طالقانی از محضر استادان متعدد از جمله حضرات آیات سید محمد حجت کوهکمری، سید محمد تقی خوانساری و غیره استفاده برده و از جانب آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری به دریافت گواهی اجتهاد نائل آمد. سپس مرحوم طالقانی مدت کوتاهی نیز در حوزه علمیه نجف اقامت گزید و پای درس آیت الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی حاضر گردید ولیکن سبک تدریس و تحصیل حوزه علمیه نجف برای او چندان جاذبه نداشت. ۲. آنگاه به تهران بازگشت و در مدرسه سپهسالار (در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی) تدریس علوم دینی را آغاز کرد. او همزمان با تدریس در مدرسه سپهسالار، تفسیر قرآن را نیز در

منزل خود برای دسته خاص و روشنی از جوانان آغاز نمود.^۴
آیت الله طالقانی در سال ۱۳۱۸ برای نخستین بار به دلیل دفاعش از يك زن محجوبه در برابر تعدیات مأموران رضاخان و درگیری اش با آنان دستگیر و به شش ماه زندان در «عدلیه» رضاخانی محکوم گردید. در سال ۱۳۲۰ در تهران «کانون اسلام» را برای پرورش و هدایت نسل جوان ایجاد کرد.

اوپس از جنگ جهانی دوم در کنار فعالیتهای فرهنگی گسترده خود در تلاشهای مبارزاتی فدائیان اسلام و نواب صفوی مشارکت کرد. چنانکه در نهضت ملی شدن نفت تلاشهای فراوان نمود. در سال ۱۳۳۴ به اتهام پناه دادن به نواب صفوی و پنهان کردن او در خانه اش دستگیر و زندانی شد. در سال ۱۳۴۰ در تشکیل نهضت آزادی مشارکت نمود و در همان سال مجدداً به زندان افتاد.

در سال ۱۳۴۱ در جریان فراندوم کذائی شاه بازداشت و در زندان قزل قلعه زندانی شد. و در سال ۱۳۴۲ پس از قیام خونین ۱۵ خرداد و انتشار اعلامیه دیکتاتور خون می ریزد از طرف ایشان و همفکرانش مجدداً همراه با دوستانش بازداشت و به ده سال زندان محکوم گردید ولیکن در سال ۱۳۴۶ با به اصطلاح عفو عمومی آزاد شد. ظرف چهار سال یعنی از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۰ دو بار روانه زندان گردید.

در سال ۱۳۵۰ به اصطلاح «کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی تهران» به دستور مستقیم ساواک ایشان را به مدت ده سال از تهران به زابل تبعید کرد که اعتراضات همگانی شخصیتهای بزرگ از جمله مرحوم آیت الله حاج شیخ احمد آشتیانی را برانگیخت و لذا در فرجام خواهی و پژوهش خواهی که توسط آن بزرگوار صورت گرفت، مدت آن را تقلیل داده و ایشان را از زابل به بافت کرمان منتقل نمودند.

بالآخره در سال ۱۳۵۴ ایشان را در سن پیری و حالت بیماری، رژیم فاسد پهلوی مجدداً بازداشت نموده و تحت شکنجه های روحی قرار داده، به ده سال زندان محکوم نمود. که پس از آنکه نزدیک به چهار سال در زندان دژخیمان گذرانیده بود در شامگاه روز هشتم آبانماه سال ۱۳۵۷ با انقلاب شکوهمند مردم مسلمان ایران از زندان آزاد گردید. آن روحانی بزرگ و کوه استقامت و ایمان به خدا، احساسات و عواطف خود را که در لحظه های اولیه و روزهای نخستین آزادی اش از زندان داشته، چنین ابراز نموده است:^۵
آیت . . . طالقانی می گوید: «همینکه در آن وقت شب از زندان بیرون آمدم آنچه را درباره

۴) اطلاعات مربوط به تحقیقات ایشان از: یادنامه ابودر زمان / نه، بدر طالقانی / ۹-۱۰، نوشته پرویز صبری و آرشیو خاطرات بنیاد تاریخ گرفته شده است.

۵) یادنامه ابودر زمان / ص ص ۲۴ و ۲۵.

تولد تازه و حرکت خروشان مردم در روزنامه‌ها خواننده بودم و بوسیله اشخاصی که به زندان می‌آمدند شنیده بودم، به چشم خود دیدم. در همان لحظه احساس کردم با مردمی دیگر روبه‌رو هستم. مردمی به حرکت درآمده، لباس غفلت و سستی قرون از تن به‌در کرده و عازم به سوی هدف، از مبدأ الله در مسیر لاله‌الاله، و در پشت سر سالک آگاه به راه، روح الله قصد داشتیم در همان شب به دیدن آقای منتظری بروم، زیرا از رادیو شنیدیم که ایشان هم از زندان اوین آزاد شده‌اند، اما موج جمعیت اختیار را از من سلب کرد. مرا با خود برد، آرزوی چهل ساله‌ام برای به میدان آمدن مردم، بیش از حد انتظارم، تحقق می‌یافت، به آقای منتظری تلفن کردم و از این که نتوانسته‌ام خدمتشان برسم عذر خواستم، دیدم ایشان هم همان نظر و احساس مرا داشته‌اند.

در زندان که شنیدم مرا آزاد کرده‌اند، پیش خودم گفتم یکی دو ماه در يك بیمارستان استراحت می‌کنم، شاید بیماری‌های جسمیم کمتر شوند، اما همینکه این مردم را با چنین جوش و خروش دیدم همه خستگیها و دردها و رنجها از تنم رخت بریست، خود را شاداب و بانشاط یافتم. . . .»

ایشان پس از آزادی برای اینکه رهبر بزرگ انقلاب اسلامی را که در آن روزها در «نوفل لوشاتو» مقیم بودند هر چه بیشتر تأیید و تقویت کرده باشد از طریق تلفن و امکانات دیگر به طور پی‌گیر با امام خمینی (قدس سره) در تماس بود و مشاوره‌های لازم را انجام می‌داد و به هدایت جریان امور می‌پرداخت. این بود که آن پیر نستوه با هماهنگی خانه انقلاب در نوفل لوشاتو تصمیم گرفت که برای درهم شکستن حکومت نظامی و اعلان قدرت مردم مسلمان برای جهانیان در روزهای تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ ملت مسلمان ایران را به راهپیمائی همگانی فراخواند.

این فراخوانی خروشنده‌گی و موج اقیانوس بزرگ انسانها را به دنبال داشت که آخرین امید مستکبران به شاه را به سراب تبدیل ساخت.

آیت الله طالقانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا آن لحظه‌ای که چشم از جهان فرویست و به دیدار خدای خود شتافت، نیز در راه خدمت به اسلام، انقلاب و ملت پرتلاش بود. برای ملاحظه تلاشهای آن فرزانه می‌توان به منابع مربوطه مراجعه نمود.^۶ او نخستین نماز جمعه بعد از انقلاب را به پا نموده و در ضمن خطبه‌های آن در برابر تجزیه‌طلبان، عوامل مشکوک و یا منحرف از مشی سیاسی سالم و مستقیم، موضع گرفته و به نصیحت آنان پرداخت.

۶) رک: از آزادی تا شهادت (تهیه و تألیف انتشارات ابوذر، پدر طالقانی، تألیف پرویز صبری، یادنامه ابوذر زمان و روزنامه‌های شهریور و مهر ماه سال ۱۳۵۸).

از نشانه‌های بارز شخصیت آیت‌الله طالقانی یکی این بود که به‌رغم تأثیر و جایگاه بنیادینی که در تاریخ و پیروزی انقلاب داشت، و به‌رغم داشتن پاره‌ای ویژگی‌ها در ذائقه فرهنگی و سیاسی که هویت متمایزی به او می‌بخشید خود را هرگز به حساب نمی‌آورد، این بود که باشکوه تمام این جمله را بازگو نمود:

«من رهبری قاطع ایشان [امام خمینی] را برای خودم پذیرفته‌ام و همیشه سعی کردم که از مشی این شخصیت بزرگ و افتخار قرن و اسلام، مشی من خارج نباشد. ۷»
بالاخره آیت‌الله سید محمود طالقانی پس از عمری مبارزه با استعمار، استبداد و به جان خریدن انواع شکجه‌ها، تلخیها و محرومیتها، با ایمانی راسخ به خدا و هدفهای اسلامی خود در ساعت ۱/۴۵ دقیقه بامداد روز ۱۹ شهریورماه سال ۱۳۵۸ دارفانی را بدرود گفته و پس از یک عزاداری و تشییع جنازه کم‌نظیر توسط ملت مسلمان در بهشت زهرا به خاک سپرده شد. گویا نابجاست اگر بگوییم در رحلت او سوزناک‌ترین اعلام تسلیت از آن امام خمینی‌ره بود، چنانکه ملت ایران شکوه‌مندترین و صمیمانه‌ترین عزاداری را در فقدان او به‌جای آوردند و در یک لحظه ایران یکپارچه عزاخانه شد.

برگهایی از اسناد مبارزات و رنجهای او:

«طالقانی» در مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی بلندمدت خود عملاً نشان داد که در صبر و مقاومت و آرمانخواهی اسلامی به یک اسطوره شباهت دارد. او از زندانی به زندان دیگر فرستاده می‌شد و از تبعیدگاهی به تبعیدگاه دیگر، و هر روز با انواع شیوه‌ها تحت فشار قرار می‌گرفت تا از اهداف الهی و عدالت‌خواهانه خود دست بردارد و به مدت بیش از چهل سال به‌طور مستمر چنین زیست ولیکن تسلیم اهریمن نگردید. برخی از اسناد نشان می‌دهد که حتی شخص شاه معدوم مسائل مربوط به تعقیب و دستگیری و حبس و محاکمات او را به‌طور مستقیم پی‌گیری می‌کرده و از مبارزات و ایستادگی او به‌ستوه آمده بوده است.

شاه، طی تلگرافی از «نوشهر» به «تهران» خطاب به رئیس شهربانی وقت سپهبد نصیری راجع به دستگیری آیت‌الله طالقانی و دوستان او پافشاری کرده و در تلگراف دیگری - که ذیلاً درج می‌شود- دوباره جواب خواسته است که چرا جواب تلگرام را نداده‌اند:

۷) از آزادی تا شهادت / ۳۳-۱۴۲، تهیه انتشارات ابونذر، چاپ شرکت سهامی انتشار و مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

شماره سند	شماره	تاریخ	موضوع	محل	ملاحظات
	۵۵	۱۳۱۳	مبارزه	تهران	

از طرف
 به تهران
 به شرف عرض رسیده است که در روزهای گذشته
 از طرف تهران مبارزات جوانان تهران در مبارزه با فساد
 با شرف عرض رسیده است و مبارزات آنان را

سپهبد نصیری نیز بعد از مدتی در پاسخ شاه طی نامه‌ای چنین نوشته است:

پیشگاه مبارک اعلیحضرت شاهنشاه بزرگ ارتشتاران
 گزارش

مفتخراً گزارش به شرف عرض می‌رساند امروز سید محمود طالقانی در یکی از
 آبادیهای شمالی رودهن و فرزندش نیز در تهران دستگیر و بازداشت گردیدند. طرح
 پیش‌بینی شده اجرا گردیده است.

جان‌نثار سپهبد نصیری.

این جریان‌ات نشان می‌دهد که مبارزات آیت‌الله طالقانی از نظر دشمن او چه اندازه
 مهم بوده است و شاه شخصاً چه میزان از مجاهدات و آزادی‌وی می‌ترسیده است. این است
 که مأموران ساواک و شهرستانی شاه لحظه به لحظه و قدم به قدم در همه جا و همه وقت او را
 مانند سایه تعقیب می‌کرده‌اند. و حتی یک مسافرت معمولی روستائی طالقانی به زادگاه خود
 و یا پادرمیانی او برای حل اختلاف دو نفر (مانند آقایان فلسفی و فخرالدین حجازی) نیز از
 قلم گزارشگران ساواک مخفی نمی‌مانده است. دو سند ذیل گویای این حقیقت هستند:

محرران

اداره نشری حدائق

درجه هجرت

برگ ششم

.....	۱ - شماره از صفحه
.....	شماره شماره از صفحه
.....	۶ - ۹ - همکاران ریاست گروه اطلاعاتی - شیرازی (اداره اطلاعات)
.....	۱ - از اطلاعات شیرازی استان مرکز
.....	۲ - شماره از مرکز
.....	۳ - تاریخ از مرکز
.....	۴ - تاریخ از مرکز
.....	۵ - پیوست از مرکز

موضوع طاق / پیر

ساعت ۱۵:۰۰ روزه ۲/۲۰/۷۷) آقای سید محمود طالقانی جهت رفع اختلاف مابین آقایان فلسفی و فخرالدین حجازی بمنزل آقای فلسفی رفته لکن آقای فلسفی تعاضد آقای سید محمود طالقانی را بطلت اینکه کتبه روضه مخالفت آقای حجازی میباشد قبول ننموده . ضمناً آقای حاج مصطفی ملکی امام جماعت مسجد همت تبریزین وابسته به جمیع دین و دانش از طرفداران آقای حجازی میباشد .

تاریخ: ۱۳۵۷
 تاریخ واریز: ۱۳۵۷/۷/۲۹
 تاریخ وصول: ۱۳۵۷/۷/۲۹
 تاریخ گزینش: ۱۳۵۷/۷/۲۹

این اطلاع واصله بعد از ظهر روز ۱۳۵۷/۷/۲۹ آقای سید محمود طالقانی واصل و پیش نماز مسجد هدایت برای ادا نماز مسخرانی در جلسه تنسیر قرآن جهنگی در مسجد منبر حاضر نگردیده و مجتهدین پورا گزاردن نماز و بدنی انتظار متفرق شده اند .
 بطوریکه چند نفر از علمای اینده اند آقای طالقانی به حالتان رفته است .

در سن - ۸ - ۱
 کیهننگان :

چنانکه قبلاً گفتیم مبارزات و در نتیجه شکنجه ها و زندانهای آیت الله طالقانی از سال ۱۳۱۸ به طور جدی آغاز شده و تا سال ۱۳۵۷ که توسط مردم انقلابی از زندان آزاد گردید همچنان ادامه داشت . به موازات این همه رنجها، ایستادگی طالقانی و حقیقت گویی و

در وزارت فرهنگ
اصول و سبب کتب
است با شماره ذکر

شماره
تاریخ
شماره
تاریخ

گزارش

موضوع
موضوع

به ریاست محترم اداره پلیس تهران
موضوع: در باره آقای سید محمد مهدی طالبانی
معتبر با بخران، میرساند ساعت ۱۶/۱۵ روز ۱۳۴۲/۱۰/۱۱ مورخه سرمقتضی سپاهیان نماینده دادستانی
ارت، باستانی آقای جهانگیر مامور ساواک، نامه شماره ۱۳۰۱۳/۱۱/۳۱ بخر، ساواک تهران را
ارائه و در مورد هدایت انجمن قوه الذکر سازمان امنیت تلاش تدریس مسامی داشتند که سرکارشتران
بناچار از همراه نامبردهان اعزام و بطور گران: افسریند کورسخر قونیا لذرکه ساکن قلعه و زهرکاشی ۹۳
میهانند همراه نامبردهان سازمان امنیت برده شده است مراتب جهت استحضار معروضاتنا طبقه اطلاع
و ادله نامبرده و همچنین مبنی میباشد.

در گزارش مربوط به سال ۱۳۴۲، آیت الله طالبانی جزء بازداشت شدگان و محکومین
در دادگاه نظامی نام برده شده است. در این باره به سند ذیل توجه فرمایید:

تاریخ تنظیم خلاصه

تاریخ طالبانی

شماره شماره نامه

تاریخ تنظیم

تاریخ فرستاد

نام فرد

شماره

تاریخ و مکان

۱۶-۱۷-۱۸
کلاسگاه علوم انسانی

کلاسگاه اصلی پرونده

خلاصه سبب محفل مشتمل بر فرد ۲۳-۱۱ نامبرده، با یکی فرد صورت نام اعضا نهفت
آزاد (سیران) ۵۰ نفری مادده ۱۶۱۵۳۱ بازداشت مرد در یک سیانه
مشتمل بر فرد ۲۳-۱۱ نامبرده، با یکی فرد صورت نام اعضا نهفت
آزاد (سیران) ۵۰ نفری در دادگاه نظامی تحت محاکمه میباشند بود.



پرتال جامع علوم انسانی
مطالعات عربی

دو نوبت
در جوانی و سیرت نامه در زند
اطلاعه میز که مسمی شماره
است باشد از مذکور شود

۱۳۴۶/۱۱/۲۲ - ۱۳۴۶/۱۱/۲۲
۱۳۴۶/۱۱/۲۲

از - اداره نگاه مرکزی

به - ریاست محترم اداره زندان

درباره - احوالات زندانیان در بزرگ فورت دکتر محمد مهدی ق

محترماً به عرض در رساند - به تراز گزارش اندرزگاه شماره ۴ با ستاد گزارش ستوان دوم کوهساری و پاسبان شماره

۵۸۱۳ شماره گزارش انباشتن افسر نگهبان و پاس اندرزگاه مذکور ساعت ۹/۵۰ و ۲۱/۲۰ روز ۱۵/۱۲/۴۰ -

زندانیان ساوان در احوالات ایشان مجلس ترجمین به حالت فوت دکتر محمد مهدی ق به تراز و پاس از قرائت قرآن و سبزه

زندانیان مجلسی مفیدی و علی عدالت و سایر اکر روزی استاد چه با و تکرار دیگر از زندانیان بنام مسجد محمد طالقانی

و سید بازرگان وارد شیر و اوقاف مطالبی در بزرگ فورت نام برده و اعمال او ابراد و زندانی حبیب اله پیمان فرزند

سید فرزند عثمان که بیست آبی ادا که بدون تذکره از آزاد است احوالات او چگونگی بعمل آمده - علیه بذاد و

برگردد این گزارش افسر نگهبان و گزارش پاسبان مذکور جهت استحضار و اقدام مقتضی پیوست تقدیم میگردد و % آ

شگفت آور اینکه آیت الله طالقانی بعد از آنکه از زندان آزاد می شود بلافاصله در سال

۱۳۴۶ در مسجد هدایت ضمن سخنرانیهایش مجدداً افشاگری رژیم ستم شاهی مردم را

آغاز می کند و رژیم شاه به او «تذکره» می دهد که از این کار دست بردارد. سند ذیل در این باره

قابل توجه است:

از - اداره اطلاعات

به - تیمه سار ریاست پلیس تهران

درباره - آقای طالقانی

پانزدهم به شماره ۳/۳۵۲۴۰ - ۲۲/۱۱/۴۶

خواهشمند است دستور فرمائید ضمن تعیین مشخصات کامل وی

بنا میبرد تا بلاع نمایند در صورتیکه در بنا بر مبادرت با اظهارات

خارج از امر مذکور هبمی بنمایند از منبر رفتنش جلوگیری خواهد شد -

آیت الله طالقانی در این سال از طرف ساواک «ممنوع المنبر» اعلان می‌گردد و نام ایشان جزء يك لیست از افراد ممنوع المنبر که در میان آنها چهره‌های بارز و برجسته‌ای همچون جناب آقای هاشمی رفسنجانی، شهید سعیدی خراسانی و غیره نیز دیده می‌شود به کلاترهای تهران بخشنامه می‌شود که از منبر ایشان در مساجد و تکایا جلوگیری کنند.

آیت الله طالقانی عملاً تسلیم فشارهای هیئت حاکمه و رژیم شاه نمی‌شود و به صورت منبر، یا نشسته و یا غیر آن اقدام به هدایت مردم و افشاگری مظالم حکومت جبار می‌کند. و این قضایا بین او و مأموران ساواک به صورت کشمکش درمی‌آید. اسناد ذیل در این زمینه (در سال ۱۳۴۷) قابل ملاحظه است:

محرمانه

۱۹۰۵۲۱-۲۰۷

۱۷-۹-۴۸

شهربانی کل کشور (اداره مخابرات)

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

سید محمد طالقانی

پیرو شماره ۱۹۰۵۲۱-۱۸-۲۰۷/۱۰/۴۷

دائریا اینکه نامبرد بالا امام جماعت مسجد هدایت است و اغلب اوقات در مسجد حضور دارد

نحوه سخنران امام جماعت مسجد بعد از نماز شروع به وعظ مینماید که اغلب بطور نشسته

میباشد.

نامبرده علاوه بر اینکه حاضر به سپردن تعهد مبنی بر عدم سخنرانی نمیباشد متعذر است

بایستی جلوگیری از تضرع رفتش کتبا بوی ابلاغ گردد.

در نظر است در صورتیکه مشارالیه بتذکرات مأمورین دائریا اینکه حق سخنرانی در مسجد را

ندارد توجه نکند و مبادرت با زیاد سخنرانی در روی شیرو یا بطور نشسته نماید دستگیر

و با آن سازمان اجزام گردد، خواهشمند است دستور فرمایید تذالیه آن سازمان را در این مورد

بشهربانی کل کشور اعلام دارند.

نوبت - ۱
در جواب مراعات حقوق و
اهداء و میزبان که متنبرستانه
است باشماره ذکر شود

شخیلی محرم آناه

آره
شماره / ۲۵۱۰۵
تاریخ ۱۳۳۰ / ۶ / ۲۳

از شهرستان استان مرکز

به تیمسار ریاست گروه اطلاعاتی شهرستان کل کشور (اداره اطلاعات)

در باره . سید محمود طالبانی

حذف بشماره ۲۱-۵-۱۶-۱۶۰۶ / ۶ / ۲۰-۸۱ نامبرد به بالا اطمینان داشته ، در صورتیکه

مراعات ممنوع المنبر بودن ، کتاب " بوی ابلاغ شود سخنرانی نخواهد نمود ، معجزه ایکنان نشوری

مربوطه و دستور داده شد که قویا " و موکدا " از منبر رفتن و هرگونه سخنرانی و اعطای مذکور جلوگیری

شخیلی محرم آناه
تلفه بانای طالبانی
بر ۳ کی خبر

..... از
..... شماره
..... ریاست کل کشور (اداره اطلاعات)
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

موضوع : جلوگیری از سخنرانی سید محمود طالبانی توسط مأمورین مطبق
مربوطه

انتظاسی .

روز ۸ / ۶ / ۲۸ و ونرا زمان مورین شهرستانی قبل از تشکیل جلسه بحث و تفسیر سید محمود

طالبانی مراجعه و بوی ابلاغ نمودند که از خواندن نماز و گفتن تفسیر خود در این نمایند طالبانی

از این موضوع بسمانرا راحت شد ولی در روز مذکور نماز را برگزار و صحبت پرداخت و مطالبی پیرامون

انسان و حیوان و آتش حوزی مسجد الاقصی بیان نمود .

ملاحظات :

..... جهت استحضار هرگونه اقدام متقبه

بحرمانه

شماره ۲۱-۱۹-۷
تاریخ ۲۹/۱۲/۲۹
پست

از: هیئتی عالی کشور (اداره اطلاعات)
به: هیئت ماساریا ست سازمان اطلاعات و امنیت کشور
موضوع: سید محمود طالقانی

بازگشت بشماره ۱۷۹۶/۲۹-۳۱۶-۲۹/۹۸

نابوده بالا بدون توجه بتذکرات مامورین انتظامی برتیا در مسجد هدایت
بطور اینستاده مبادرت با روان سخنرانی مینماید خواهشمند است دستور
فرمائید با توجه بشماره ۱۹-۱۱-۲۵۷-۶۵۷/۱۷-۱۸ شماره آسازمان
را درباره مشارالیه بشهرتانی کل کشور اعلام دارند

سال ۱۳۴۹

مبارزات و تلاشهای خارج از زندان و ایستادگی و افشاگری آیت الله طالقانی در سال
۱۳۴۹ نیز همچنان علیه رژیم فاسد وقت ادامه داشت و با وجود ممنوع المنبر بودن نیز با
شگردهای مختلف از دستورات رژیم حاکم سرپیچی می کرده و به بازگویی تکالیف مؤمنین و
میانی احکام اسلام می پرداخته است. اسناد این مرحله نیز قابل دقت است:

تکمیل بحرمانه

۱- تاریخ وقوع	۲۹/۱۲/۲۹
۲- اطلاعات نظامی	۱۷۹۶/۲۹-۳۱۶-۲۹/۹۸
۳- کپی	۱۷۹۶/۲۹-۳۱۶-۲۹/۹۸
۴- کپی	۱۷۹۶/۲۹-۳۱۶-۲۹/۹۸
۵- کپی	۱۷۹۶/۲۹-۳۱۶-۲۹/۹۸
۶- کپی	۱۷۹۶/۲۹-۳۱۶-۲۹/۹۸
۷- کپی	۱۷۹۶/۲۹-۳۱۶-۲۹/۹۸
۸- کپی	۱۷۹۶/۲۹-۳۱۶-۲۹/۹۸
۹- کپی	۱۷۹۶/۲۹-۳۱۶-۲۹/۹۸
۱۰- کپی	۱۷۹۶/۲۹-۳۱۶-۲۹/۹۸

فرار از ایستادگی مبارزه با رژیم فاسد وقت و ایستادگی در برابر دشمنان
از طرف این هیئت ماساریا قرار بر این شد که مطالب مورد تناوری بصورت مشاغل توسط جاسوسان
و افراد ارتش ماساریا در روزهای ۲۹/۱۲/۲۹ که نشریات این هیئت ماساریا در روز

۱۴۶ یاد

امانه

شماره: ۱۴۴۲
تاریخ: ۲۹/۱/۱۳۸
پیوست:

از: شهرداری استان مرکزی
به: شهسار ریاست گروه اطلاعاتی شهرداری کل کشور (اداره اطلاعات)
موضوع: تسد محمود طالقانی

حفظ بشماره: های ۱-۵۰۲-۱۱-۱۰۷-۱۱-۱۲/۲۱ و ۱۲/۲۸-۱۰۷-۱۱-۵۲۱

۱- براساس گزارش کلانتری و نامبرد مهلا در مورد عدم سخنرانی آزادان تمهید اختراع و اظهار داشته امام جماعت مسجد میباشد و موقع نماز اگر کسی سئوالی بکند مجبور باد ای جواب میدهد و حرف زدن حق قانونی اوست و در مورد بند گزارش آنکه داد می میشود توجه فرمادند نخواهد نمود علیهذا با توجه به اینکه مشارالیه بحالت ایستاده صحبت میکنند و بمنظور ممنوعیت مراتب جهت استخبارات بنسب اطلاع و بنام مرمیوطه نیز آموزش لازم داده شده است.

شماره: ۵۶۰۹۴
تاریخ: ۲۹/۱/۱۳۸
پیوست:

از: شهرداری استان مرکزی
به: شهسار ریاست گروه اطلاعاتی شهرداری کل کشور (اداره اطلاعات)
موضوع: تسد محمود طالقانی

حفظ بشماره ()
طبق گزارش کلانتری و اعط نامبرده -
روز و ساعات معینه را اجتماع مسجد هدایت ناگهان از جای خود بلند شده و سخنرانی نموده
و در آن وضعیت امکان هیچگونه اقدامی برای مرمیوطه مقدور نبود و باخالف فکر دیده چون -
ما مرمیوطه در تسلیم گزارش قصور نموده بود لکن بعد از چهارشنبه روز یادداشت انطباقی تهیه
و با توجه به اینکه به اعط مذکور تذکرات لازم داده شده و احتمال ورود تا زمانیکه مشارالیه مجاز
بگزاردن نماز جماعت در مسجد هدایت باشد با استغناء از موقعیت مطالبین ایستاده و بیان داشته
ایراد نماید که در آن موقع هم جلوگیری از عمل وی از نظر انتظامی خالی از اشکال نخواهد بود
علیهذا مراتب جهت استخبارات و مرمیوطه اقدام مقتضی بنسب اطلاع مرمیوطه

سال ۱۳۵۰ تبعید آیت‌الله طالقانی از تهران :

بالاخره رژیم شاه تصمیم می‌گیرد که در سال ۱۳۵۰ آیت‌الله طالقانی را از تهران به یکی از دورترین نقطه‌های ایران یعنی زابل تبعید کند. ساواک با همکاری دادگستری کذایی برای این منظور همیاری و همکاری و مقدمه‌چینی می‌کند و به اصطلاح توسط «کمیسون امنیت اجتماعی» او را در سن پیری و ناتوانی به ده سال اقامت اجباری در زابل محکوم و آن را عملی می‌کند. آیت‌الله با پژوهش‌خواهی در برابر حکم صادره واکنش نشان می‌دهند. افکار عمومی نیز علیه رژیم شاه تحریک می‌شود تا جایی که شخصیت بزرگی مانند مرحوم آیت‌الله حاج شیخ احمد آشتیانی به ساواک، شهربانی و دادرسی ارتش نامه نوشته و به تبعید ایشان اعتراض می‌کند. رژیم شاه تحت تأثیر این شرایط در حکم صادره تجدیدنظر نموده و با تقلیلی در آن، محل اقامت اجباری ایشان را از زابل به «بافت کرمان» تغییر می‌دهد. و آیت‌الله پس از تحمل دوران تبعید پیروزمندانه به تهران و سنگر اصلی و قدیمی خود «مسجد هدایت» بازمی‌گردد و مبارزه با ظلم را از سر می‌گیرد ولیکن این دفعه نیز ساواک او را به بهانه‌های واهی دستگیر کرده و پس از دو سال بلا تکلیفی به ده سال زندان محکوم می‌کند. اکنون سیری در اسناد این قضایا داریم تا درس دیگری از این مفسر بزرگ قرآن گرفته شود.

شماره	وزارت کشور
تاریخ	ساواک
پوست	

۲۷۷
۸۸۰
۲۰۱۹۴

خیلی شوری

مدیران هیئت محترمین طالقانی، آیت‌الله العظمی، آقا میرزا محمد باقر

ناجیه و بالا که امام جماعت مسجد هدایت تهران می‌باشد یکی از عناصرتحاد و نواخت
با خلاقیت کبریا که مبادرت بعمل آید ای مشوره و تدبیر انکار عمومی و اقدام علیه
امنیت و مصالح کشور نموده و دارای سابقه محکومیت نیز می‌باشد. طبعاً با توجه
با اینکه تاکنون تنه‌ها تقرر در باره ناجیه صورت نگیرد و کماکان رویه ناصواب
خود را دنبال وجود این شخص در منطقه تهران موجب اختلال نظم و سلب آسایش
عمومی و ایجاد اخلال و آشوب احتمالی است با ارسال خلاصه از وضع و پیشینه
مشارکتی خدا هستند است دستور فرمائید نسبت به تشکیل کمیسیون حفظ امنیت
ایتمای و شرح موضوع رسوا بیل و وضع یاد شده و گزارش از پایتخت اقدام و نتیجه را
باین سازمان اعلام دارند.

۱
۲
۳
۴
۵

شماره ۵۱۶-۱۹-۷۰۷

تاریخ ۸۸/۲/۲۴

پوست

اداره اطلاعات

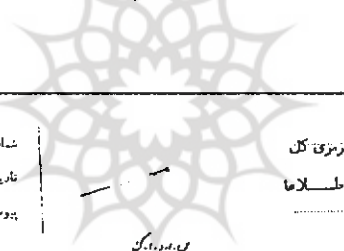
ریاست پلیس تهران

موضوع سید محمود طالقانی امام مسجد هدایت

خبرنامه شماره ۱۰۴/۳۱۲/۵۰۱

فوری

خواهشمند است دستور فرمائید تا اطلاع ثانوی تأیید و بلافاصله ارسال
میکرونتش تحت نظر قرارداد و از مراجعات افراد بومی و همچنین خروجش
از منزل جلوگیری و نتیجه را باین اداره اعلام دارند.



شماره
تاریخ
پوست

شماره فرماندهی زاندا ازبوی کن
(رکن ۲ - دایره اطلاعات)
ساوان

ی. درویش

رئیس ششگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دبیره سید محمود علایی طالقانی فرزند ابوالحسن

بهره ۳۱۲/۷۱۱-۳-۵۰/۹

تایید و بلافاصله رای کمیسیون امنیت اجتماعی تهران به سه سال اقامت اجباری
در شهرستان زاهد محکوم گردیده است. علیرضا با توجه به روحیه حاد با دشمن و اینکه
احتمال دارد این شخص در شهرستان مزبور نیز در صدد برآید تحریکات و اجابست
تشویش افکار عمومی و اقوای آنها با ایجاد آشوب و اقدامات خلاف مصالح سلطنت بعمل آورد
و بهادرت به برقراری تماس با برخی از هواداران خود برای بعضی فعالیت‌های ضد
امنیتی بنماید. خواهشمند است دستور فرمائید ضمن ایجاد محدودیت و تماس‌های او
اعمال وقت‌آور و نیز تحت کنترل و مراقبت قرار داده و نتیجه را باین سازمان اعلام دارند.

صورتجلس

بتاریخ ۱۳۰۱/۹/۵ کمیسیون حداقل انضباط اجتهاد تهران در محل آژانس فرمانداریتهران باحضور
اعضا کنتگان زیر در ساعت ۱۰ صبح تشکیل گردید .

آقای نواب نماینده نخست وزیری در اطراف ظل وجهات درخواست اقامت اجباری آقای سید محمود
علائی طالقانی فرزند ابراهیم توضیحات مسری طی به اطلاع اعضا* کمیسیون رسانند ند

والطی ارداشند علاوه بر آنچه بطور کلی در نامه شماره ۱۱۲۲/۳-۳۰/۹/۵ سازمان انضبت -
منعکس است باید به اطلاع اعضا* کمیسیون برسانم که آنچه ذکر شده مستند به گزارشات واصله از
طرف ما* موربن در صلاح بوده و دربروند مربوط به این شخصی منعکس است و درصحت آن بهیچوجه
تردید نیست .

کمیسیون بااستماع اظهارات آقای نواب بطورکلی در مورد تطبیق وضع آقای سید محمود علائی -
طالقانی فرزند ابراهیم بارابطه شی (ماده ۲ لایحه قانونی حفظ انضباط اجتهاد مصوب -
خرداد ۱۳۳۶ موافقت و دلایل ابرازی را جهت اجرای مجازات اقامت اجباری کافی دانستند
ضمناً* کمیسیون به تناقضی آقای نواب در مورد رعایت حد اکثر مجازات مذکور در ماده ۳ قانون -
اصلاح مواد دوم و سوم قانون انضباط اجتهاد مصوب بهمن ۱۳۴۷ تصویب کرد که بعلت اهمیت
موضوع و اوضاع و احوالیکه علیات اخیر این شخصی در حفظ نظم و انضباط اجتماع دارد مجازات بلافاصله
اجرا گردد در مورد میزان مجازات مذکور در ماده ۳ قانون اصلاح مواد دوم و سوم قانون انضباط
اجتهاد مصوب بهمن ۱۳۴۷ اکثریت اعضا* کمیسیون آقایان فرماندار سرکار سرهنگه روحانی و سرکار
سرگرد مسعودی و سرکار سرهنگه نواب معتقد به اجرای حد اکثر مجازات به مدت سه سال بودند
آنها بیان نمایند در استان و رفسنجان نماینده دادگاه شهرستان معتقد به اجرا مدت یکسال
و نیم اقامت اجباری بودند که نثار اکثریت (مدت ۳ سال) مناضد اعتبار است .
در مورد محل اجرای مجازات اعضا* کمیسیون با اتفاق تصمصم گرفتند که محل اقامت اجباری آقای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اداره
تاریخ
شماره
پیوست

- ۲ -

سید محمود علائی طالقانی فرزند ابراهیم در (زابسل) باشد .
مقرر میشود در اجرای ماده ۳ و ۴ قانون حداقل انضباط اجتهاد پس از تأیید آقای استاندارتصمیمات
کمیسیون فررا* به مدتی تعیین ابلاغ و بموجب عمل گذاشته شود .

...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

شماره ۱۲ - ۱۹ - ۵۵
 تاریخ ۳۳ / ۳ / ۱۳۵۵
 بیروت

...
 ...

شهر بانی زا بیل

گویا است شهر با نهی استان که با ...
 تاریخ: ۳۳ / ۳ / ۱۳۵۵
 بیروت
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

۹	۱۳	دوره	۱	۱	تاریخ ۱۳۴۴/۲/۲۷ - کتب پرونده
موضوع: ...					
هیئت داد و ستد آقایان ...					
پژوهشگاه ...					
پژوهشگاه ...					
پژوهشگاه ...					
چون آثار ...					
در این قرار ...					
دادگاه ...					
حاکم ...					
مدان ...					
از ...					
رای دادگاه ...					
نظر حسب گزارشات ...					
ان بدانکه ...					
رای ...					
پس از ...					
تاریخ ...					
محل ...					
امضاء ...					

شماره: ۳۹ / ۳۱۲
تاریخ: ۱۵ / ۶ / ۸۱
پوست:

به ریاست شهرداری تهران
(اداره اطلاعات)
از: ساواک

در پی: سید محمود علائی، خانقانی، فرزند ابوالحسن

عطف به ۵۲۱ - ۱۹ - ۶۵۷ - ۵۱ / ۹ / ۲۲

محل اقامت اجباری نامبرده، بالا اخیراً "تغییر وضعیت شهرداری تهران" منتقل گردیده
علیهذا با توجه باینکه این شخص اصولاً "فرد ناراحتی" میباشد خواهشمند است
دستور فرمائید ترتیبی اتخاذ نمایند تا اعمال و رفتار یاد شده دقیقاً تحت مراقبت
بوده و کلیه افراد و گله پست و ملاقات با وی به بافت مسافرت میباشد شناسائی و از
نتیجه این سازمان را آگاه سازند بوجه

شماره: ۵۰۶۸ / ۱۲ / ۸۱
تاریخ: ۱۵ / ۶ / ۸۱
پوست:
خیلی فوری

به ریاست شهرداری تهران (اداره)
از: ساواک

در پی: سید محمود علائی، خانقانی، فرزند ابوالحسن

بارگشت به ۵۲۱ - ۱۹ / ۶۵۷ - ۵۱ / ۹ / ۲۲

با توجه باینکه اقامت اجباری نامبرده، بالا تقریباً خاتمه خواهد یافت
و احتمال دارد عناصر متعصب مذکور پس از مراجعت وی دست به تظاهرات
و تحریکات مضربزنند، علیهذا خواهشمند است دستور فرمائید اقدامات
احتیاطی و مراقبتی در مسجد هدایت تهران و منزل یاد شده بعمل آورده
و نتیجه را با این سازمان اعلام نمایند



گزارش روزبه‌روز حرفها و سخنرانیهای آیت‌الله طالقانی توسط ساواک:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

امام خمینی ره در پیام تعزیت خود به مناسبت درگذشت آقای طالقانی زبان او را همچون شمشیر مالک اشتر برنده و گویا توصیف نمودند. برآستی که چه توصیف بجائی. او در طول بیش از چهل سال مبارزه و مجاهدت بدون وقفه با شمشیر زبانش بر ستمگران شوریده است. و حدیث شریف «أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ حَقٌّ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ» را عینیت بخشیده است. لیکن متأسفانه بیشترین این حرفها و سخنرانیها توسط یاران او ضبط نشده است. مأموران ساواک چکیده برخی از حرفهای او و دیگران را در مسجد هدایت تهران نوشته و به مقامات بالاتر ساواک گزارش نموده و آنها اکنون باقی مانده است. اکنون متن آن گزارشهای تلخیصی را که متعلق به سالهای ۵۰ - ۱۳۴۰ می باشد در پیشروی خود ملاحظه می فرمایید: